

## (بهار و مشاهیر آن)

بهار شهر کی است در ۱۵ کیلومتری شمال غربی همدان که طبق آخرین سرشماری عمومی در ۱۳۵۵ در حدود ۱۴۴۵۳ نفر جمعیت دارد با ۲۶۶۲ خانوار که از این تعداد - ۷۴۶۲ نفر مرد و ۶۸۱۱ نفر زن هستند. این شهر مرکز بخش سیمینه رود محسوب میشود که جمعیت آن ۵۴۶۶۵ نفر است با ۹۹۹۸ خانواده زمستانهای این شهر سرد و تابستانهای آن معتدل است و فرحبخش. اطرافش مملواز درختزار، تاکستان و صیفی کاریست. مردمی خونگرم، مهربان و غیرتمند دارد. از سابقه تاریخی این شهر جز اشاره ای که حمدالله مستوفی مورخ نامی قرن هشتم هجری در کتاب «نزهة القلوب» نموده آگاهی چندانی نداریم. اصطخری صاحب المسالك و الممالك و یاقوت حموی صاحب معجم البلدان و دیگران در این باب اشاره ای نکرده اند و عدم اشاره در این مورد با توجه بناتک بینی های این دونفر جغرافی دان که حتی دهات معروف همدان عصر خویش را نام برده اند بنظر حقیر شاید بدین علت باشد که بهار بصورت فعلی بعد از حمله مغول بنا شده است. این ظن را چند دلیل تقویت میسازد.

۱ - بهار در آغاز قلعه ای پیش نبوده و همانگونه که مستوفی اشاره میکند دارالملک سلیمان شاه منولی بوده است. «بهار قلعه ایست و در زمان شاه سلیمان دارالملک او بوده» (۱). با امان نظر و دقت در این گفته ی مختصر مستوفی این نتیجه حاصل میشود که سلیمان شاه بهار فعلی را که مسلط بر حوزه حکمرانی وی (کردستان و همدان) بوده بعنوان پایگاه و دارالملک برگزیده و در آنجا قلعه ای ساخته که بعدها در اثر مرور زمان ساکنین این قلعه که از بازماندگان آن قوم وحشی و مهاجرین بودند. در آن قلعه مانده و بتوسعه آن همت گمارده اند.

۲ - در بهار محله وسیمی است که هنوز هم بنام (قلعه) خوانده میشود و آن در زبان

(۱) نزهة القلوب - در ذکر بقاع کردستان صفحه ۱۲۷ تصحیح دبیر سیاقی

محلّی بدوقسمت تقسیم و نامگذاری شده است (قلعه) و (دولر قلعه) (۱) این نامها دراینکه بهار اول بصورت قلعه‌ای بوده است شکی باقی نمی‌گذارد و بنظر اینجانب بهار قدیمی محدود بهمین قلعه بوده است و بعدها بمرور زمان توسعه پیدا کرده . با توجه بمعنی (دولر قلعه) این حدس برای من پیش می‌آید که ساکنین قسمتی از قلعه سر بازان مغول و محافظین و گارد شاه سلیمان بوده‌اند و مردم بهار بعدها با توجه با نزرجار و نغرتی که از مغولان ستمگر و سفاک کرده ، و فجاجیع و وحشیگریهای آنان را سینه بسینه از پدران بیاد داشته‌اند این نام را بآن کوی داده‌اند. اگر چه عده‌ای معتقدند «دولر قلعه» محل دیوان محاسباتی مغولان بوده و دولر از دیوان اتخاذ گردیده اما باید اذعان کرد این نظر غلط است زیرا دولر جمع «دو» است و «لر» در ترکی علامت جمع و در نتیجه بمعنی دیوها است در حالیکه جمع دیوان محاسباتی در ترکی «دیوانلر» میشود مزید بر آنکه جمع دیوان استعمال نداشته و ندارد همیشه مفرد کلمه بکار رفته است.

۳ - در بهار محله دیگری هست که در زبان محلّی (آق دروازه) (۲) خوانده میشود. دقت نظر دروجه تسمیه این اسم باز برای من این حدس را پیش آورده است که در این محله دروازه‌ای قرار داشته است که از آن عبور و مرور بسوی کردستان انجام میگرفته است.

همین نام رای مراد در حدس قبلی در قلعه بودن بهار صائبتر میسازد ، زیرا لازمه قلعه داشتن دروازه‌هاست و هر یک از این دروازه‌ها نامی داشته‌اند که از جمله (آق دروازه) است . از سابقه تاریخی بهار قبل از آنکه در زمان سلیمان شاه بصورت قلعه در آید اطلاعی در دست نیست و تا زمانیکه منابع و مآخذ معتبر در دسترس نباشد با قوال شفاهی نمی‌شود اعتماد کرد از جمله وجود این شهر در قبل از حمله عرب و یا ویرانی آن در زمان حمله مغول ، حمله خانمانسوز و بینان بر افکن مغول که از ۶۱۷ هجری شروع شده شهرها و دهات این سرزمین را لگد کوب سم ستوران اجانب ساخت و علاوه بر ویرانی شهرها و نابودی مدارس و مساجد و کتابخانه‌ها به زبان و ادبیات و اصالت نژاد ایرانی لطعات غیر قابل جبرانی وارد ساخت از جمله عده زیادی از هموطنان ما زبان اصلی خود را فراموش کردند و بزبان ترکی تکلم کردند و آنانیکه توانستند زبان خود را حفظ کنند از لغات و کلمات مغولی مقداری داده زبان خویش پذیرفتند و مهتر از همه تجاوز بنوامیس مردم وهنگ حرمت از زنان و دوشیزگان و از داوچه‌های نامتجانس در طول دو قرن نژاد ایرانی را نسا اصیلتر ساخت و در رگهای ایرانی خون مغولی را با خون رومی ، یونانی ، افزود و مخلوط ساخت که نمودهای آن سالها بعد از حمله مغول بظهور رسید و در اخلاق ، کردار و گفتار مردم متجلی گشت.

شاه سلیمان و محافظین و همراهان او پس از ساختن و پرداختن قلعه بنیان شهری را

۱ - «دولر قلعه» بمعنای - خانه دیوان - ۲ - «آق دروازه» بمعنای دروازه

سفید است.

گذاشتند که بنام بهار خوانده شد. ساکنین این شهر مغولان و سایر مهاجرین و شاید بومیان اولیه بودند که چون زبان مغولان ترکی بود اهالی این ناحیه و اطراف بزبان ترکی متکلم شدند و زبان مادری خویش را (شاید پارسی را) فراموش کردند اما برای من هنوز معلوم نگشته است که چرا باین محل نام بهار را داده اند آیا با توجه به هوای معتدل فرحبخشی که این شهر در بهار و تابستان دارد این نام را بر آن برگزیده اند؟ و یا ساکنین بعدی اینجا طایفه ای از ایل بهارلو بوده اند که نام ایل خود را به محل داده اند و پیا این نام با نام پتخانه معروف نوبهار در بلخ ارتباطی دارد که مغولان شمن پرست آن را مجدداً در این قسمت احیا کرده اند؟ اینان سئوالاتی است که باید با تخصص و امعان نظر در کتابهای کهن جغرافیائی و تاریخی برای آن پاسخی مستدل پیدا کرد.

### مشاهیر بهار

در تذکره ها و بیوگرافی ها مؤخر (۱) نام دونفر از مشاهیر بهار ذکر گردیده که آنان را منسوب همدان دانسته اند :

۱ - حاج شیخ محمد بهاری فرزند میرزا محمد بهاری نجفی .

وی که در بهار به حاج شیخ شیر محمد بهاری معروف است یکی از علما و فضلاء و عرفای عصر خویش بود. نامبرده در نجف اشرف میزیست و در آنجا مجالس درسی و تعلیمی داشته اند. زمانیکه بقصد زیارت مشهد مقدس حرکت کردند در مراجعت دچار کسالت گردیدند و بنا بوضع خویش او را به بهار آوردند. وی در نهم رمضان ۱۳۲۵ قمری در زادگاه خویش بهاره دارفانی را بدرود کردند. مقبره نامبرده در گورستان عمومی بهار جای دارد و امید است نیکوکاران محلی و مقامات دولتی نسبت به تجدید بنای آرامگاه این ابر مرد اقدامی بنمایند تا از این وضع نامناسب فعلی بدر آید.

از حاج شیخ شیر محمد کتابی بنام (تذکره المتقین) در شرح و ترتیب زیارت و آداب توحید و سایر مطالب مذهبی باقیست که در سال ۱۳۳۸ شمسی تجدید طبع گردیده است .

از حاج شیخ اولاد ذکور باقی نمانده و بهمین جهت ناشر در مقدمه کتاب مینویسد «چون آن جناب اولاد ذکور نداشت این کتاب طبع شد تا جانشین فرزند او بشود» از شیخ منشآت نیز باقیست که در خاتمه کتاب فوق الذکر آمده است و دارای عبارات و ترکیبات عربی فراوان است. به حاج شیخ محمد کراماتی نیز نسبت داده اند از جمله یکی از دوستان فاضل و هموطن اینجانب نقل می کرد که : حاج شیخ وقتی از نجف وارد مشهد شد و زیارت خود را انجام داد بیمار شد و لذا بهمراهان که نگران حال وی بودند فرمود نگران حال من

۱ - مأخذ مورد استفاده اعیان الشیعه ج ۴۶ - تذکره المتقین چاپ ۱۳۳۸ - بزرگان و مختصرایان همدان ج ۲ دکتر درخشان - نقل اقوال شفاهی .

نباشید من در اینجا نخواهم مرد ، سپس ساعت و محل مرگ خود را تعیین کرد و به آنان دستور فرمود او را بوطن خویش (بهار) ببرند. همراهان او را حرکت داده و به بهار رسانیدند و از عجایب است که شیخ در همان ساعت و محلی که تعیین کرده بودند فوت نمود .

۲ - حاج شیخ محمد باقر بهاری فرزند محمد جعفر یکی از بزرگترین علماء و فقها و محدثان بزرگ ناحیه همدان بود. حاج شیخ محمد باقر تحصیلات خود را در نجف پیرایان رسانید و مجالس میرزا حبیب‌اله دشتی و میرزا حسین خلیلی و آخوند ملامحمد کاظم خراسانی را درک کرد . در اخلاق و سلوک و حکمت از علامه شهیر مولی حسینقلی همدانی کسب فیض نمود و از وی و دیگر علما اجازه روایت کسب کرد. در ۱۳۱۶ قمری به همدان برگشت و بانجام وظایف شرعی پرداخت. حاج شیخ محمدباقر مردی بسیار سخنگیر و در عین حال سنگدل بود و در اجرای امر معروف و نهی ازمنکر به کسی رحم نمی‌کرد. نقل است که وی در محلی که اکنون بنام قبرستان میرزاتقی معروف است حکم بگردن زدن مرد فاجر و فاسقی داد و چون این مرد باید گردنش با یک ضربه زده میشد اطرافیان و مریدان از انجام این عمل وحشت‌انگیز سخت مضطرب و متوحش شدند و چون کسی را جرأت چنین اقدامی نبود خود شیخ آستین‌ها را بالا زده و عبادا بر زمین نهاد بمانند یک غازی سر محکوم را بیک ضربه از تن جدا ساخت . \* حاج شیخ محمدباقر یکی از مجاهدان راه آزادی و مشروطیت ایران بشمار میرود و اقدامات او در نهضت مشروطه ارزنده و موثر بود. از وی قریب ۶۰ کتاب و رساله در موضوعات مختلف باقیست از جمله : الدعوه الحسینیة - حاشیه بر شرح الفیه ابن‌مالک در نحو شرح - قطر الندی - الطلع النضیه - عقدا لدر فسی امام المنتظر - البیان فی الحقیقه الایمان - حاشیه بر فرائد شیخ انصاری - روح الجوامع - سلاح الحاذم فی دفع المظالم - نثار البلباب فی تقبیل التراب - النود رساله در رد تصادی - رساله در رد منکرین صاحب الزمان - رساله در رد قصیده بغدادیه و کتابها - و رسالات دیگر .... شیخ محمدباقر بیشتر عمر خود را بتألیف و تصنیف گذراند که نسخ این تصانیف و تألیفات به خط وی موجود است. مرگ وی را در ۱۳۳۲ قمری در همدان ذکر کرده‌اند (۱) .

از دانشمندان ، پژوهشگران ، مردان نیکوکار و صاحب آوازه معاصر بهار که در خدمت باین شهر و مردم آن سهم بسزائی دارند میشود باجمال از مرحوم حاج بهمن بهمنی و مرحوم حاج سیف‌اله بهمنی مردان نیکوکار و فرهنگ پروریکه در امر ایجاد واحداث و تکمیل مؤسسات عام المنفعه و خیریه که وقف عموم اهالی بهار گردیده همچنین مهندس فتح‌اله بهاری ، سرهنگ عبدالله بهاری دکتر شهریار بهاری و یوسف فضایی ذکر خیری بعمل آورد .

\* آفرین !

۱ - مآخذ مورد استفاده - اعلام الشیعه علمای قرن چهاردهم - اعیان الشیعه - بزرگان و سخنسرایان ممدان ج ۲ - مجله اطلاعات هفتگی مقاله ناصر نجمی .